

اهم چالش‌ها و بایسته‌های تقنین در جرم جعل

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۲۱

تاریخ تأیید: ۹۸/۳/۱۷

احمد حاجی‌ده‌آبادی*
یدالله جعفری ندوشن**

چکیده

اموری چون عدم تعریف قانونی این جرم، عدم بیان تمامی مصادیق قانونی آن، ابهام در موضوع جرم که آیا صرفاً ناظر به سند و نوشته است یا مندرجات هر لوحی را شامل می‌شود و همین‌طور پراکندگی عنصر قانونی جرم جعل و استفاده از سند مجعول در قوانین مختلف و تعدد مراجع مختلف قانون‌گذاری که موجبات سردرگمی در تشخیص قوانین ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید بودن جرم را در پی داشته از مهمترین چالش‌های تقنینی این جرم می‌باشد. آنچه در این مقاله مورد توجه قرار گرفته توجه به این موارد و ارائه راهکارهایی جهت برون رفت از این مشکلات قانونی خواهد بود. به نظر می‌رسد که قانون‌گذار باید مواردی نظیر مطلق یا مقید بودن جرم جعل، تجمیع همه مواد جعل در یکجا، رعایت اصل تناسب جرم و مجازات را در جرم‌نگاری این جرم مدنظر قرار دهد. نیز تورم کیفری و پراکندگی قوانین مرتبط با جرم جعل، فقدان انسجام و عدم هماهنگی در قوانین، مغایرت برخی مصادیق جعل با واقعیات و رسوم اجتماعی، وجود قوانین متعدد و در عین حال ابهام در جرم بودن مصادیقی از آن از دیگر موارد مهم چالش‌های تقنینی جعل است.

واژگان کلیدی: جعل، استفاده از سند مجعول، قانون‌گذاری، قانون‌نگاری، جرم مطلق، جرم مقید.

۴۱

حقوق اسلامی / سال شانزدهم / شماره ۳۰ / بهار ۱۳۹۸

* دانشیار دانشگاه تهران (adehabadi@ut.ac.ir).

** دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد (yjafarin@chmail.ir).

مقدمه

جعل در لغت به معنی ساختن، قرار دادن، وضع کردن و دگرگون کردن و تزویر به معنای دروغ پردازی، فریب دادن و گول زدن آمده است (عمید، ۱۳۵۷، ص ۳۱۷) و در اصطلاح «جعل عبارت است از قلب متقلبانة حقیقت به زیان دیگری به یکی از طرق مذکور در قانون در یک سند نوشته یا چیز دیگر» (گلدوزیان، ۱۳۹۵، ص ۴). برخی از حقوقدانان جعل را به معنی ساختن یا تغییر دادن آگاهانه نوشته یا سایر چیزهای مذکور در قانون به ضرر دیگری به قصد جا زدن آنها به عنوان اصل تعریف نموده اند (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲، ص ۲۷۸).

علیرغم سابقه قانون گذاری طولانی این جرم در ایران، در عمل مواجه با چالشهایی هستیم که عمدتاً ناشی از عدم رعایت بایسته های تقنین در این جرم می باشد. منظور از «تقنین» وضع کردن قانون است. فرایند تقنین از دو مرحله قانون گذاری و قانون نگاری تشکیل می شود. مرحله قانون گذاری شامل یافتن بهترین و مناسب ترین قاعده است که محتوای قانون را شامل می شود و مرحله قانون نگاری، یعنی یافتن بهترین قالب برای محتوای مورد نظر قانون گذار که می توان از آن به ادب نگارش قانون تعبیر کرد و هر مرحله نیز شامل بایدها، معیارها و استانداردهایی است. «بایسته» از مصدر «بایستن» به معنای لازم و ناگزیر است؛ لذا بایسته های تقنین به اصول، فنون، راهبردها و قواعدی گرفته می شود که برای بهینه کردن تقنین به منظور دست یابی به اهداف آن اعمال می شوند (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۵). عدم کارایی قوانین، ریشه در عدم رعایت اصول و بایسته هایی دارد که لحاظ آنها در وضع و تدوین قوانین کارآمد ضروری است. در این مقاله اهم چالش های جرم جعل در حوزه قانون گذاری و قانون نگاری در نظام حقوق کیفری ایران چیست؟ و راهکارهای برون رفت از این چالش های ارائه می گردد. لازم به ذکر است گرچه می توان چالش های مربوط به حوزه قانون گذاری را از چالش های مربوط به حوزه قانون نگاری جدا نمود، چون برخی موارد هم دو وجهی بوده ذیل هر دو عنوان قرار می گیرند همه موارد یکجا بررسی می گردد.

عدم تعریف قانونی جرم جعل

جایگاه تعریف هر جرم در محدوده رکن قانونی آن جرم قرار می‌گیرد زیرا وجود هر جرمی قبل از هر چیز به حکم قانون وابسته است. رکن قانونی جرم، ماده یا موادی است که قانون گذار طی آن دو ضابطه را ارائه می‌دهد یکی ضابطه رفتار مبنی بر اینکه رفتار ممنوع و قابل مجازات چه رفتاری است؟ و دیگری ضابطه کیفر مبنی بر اینکه مجازات قابل اعمال نسبت به آن رفتار ممنوع چه نوع و به چه میزان است؟ اصولاً قانون‌گذار ما در بیان جرائم از یکی از سه شیوه تبعیت می‌کند. در برخی از مواقع، جرم تعریف شده است (مثل ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ که اشعار می‌دارد «سرقّت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است» در بعضی از مواقع دیگر قانون فقط مجازات جرم را بیان می‌کند (مثل ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی سابق اشعار می‌داشت که در مجازات مرتکب قتل عمدی اعدام است...) و بالاخره شیوه سوم که عبارتست از ذکر برخی از مصادیق جرم که از جمله در جرم جعل است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳، ص ۵۰). مقنن به تعریف جرم جعل نپرداخته است زیرا مقنن در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی به جای تعریف از این جرم به ذکر مصادیق آن پرداخته است. ماده ۵۲۳ قانون مذکور به دلیل عدم تعیین مجازات برای جرم جعل نمی‌تواند عنصر قانونی این جرم محسوب شود بلکه این ماده تنها معنی و مفهوم واژه جعل را در مواد بعدی تا حدی روشن می‌کند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۲۷۵).

عدم تعریف قانونی این جرم گاه باعث تضییع حقوق قربانی می‌شود؛ زیرا ممکن است مجرم با تمسک به اصل تفسیر مضییق قوانین کیفری و تفسیر به نفع متهم از مجازات رهایی باید حال آنکه نظر مقنن خلاف آن بوده و این نتیجه از آنجا ناشی می‌شود که جرم را تعریف نکرده است. یا بالعکس در مواردی هم ممکن است به حقوق متهم نیز خلل وارد نماید زیرا وقتی حدود و ثغور افعال ممنوع را قانون مشخص نمی‌کند و فرد به گمان مباح بودن عمل، اقدام می‌کند ممکن است دادرس براساس تعریف حقوقی جرم وی را مجازات کند.

عدم وجود تعریف قانونی از جرم جعل در عمل باعث ایجاد مشکلاتی شده است

از جمله اشتراط یا عدم اشتراط شبیه بودن سند محعول به سند اصلی، مطلق یا مقید بودن این جرم و در نهایت وقوع یا عدم وقوع این جرم از طریق ترک فعل. با در نظر گرفتن نظر مختار، قانونگذار می‌تواند این جرم را چنین تعریف نماید: «جرم جعل عبارتست از تغییر یا قلب متقلبانه حقیقت در یک نوشته یا چیزهای دیگر مذکور در قانون به عنوان اصل و به ضرر دیگری از طریق فعل یا ترک فعل بدون نیاز به شبیه بودن به سند اصلی».

ابهام در امکان ارتکاب جعل معنوی توسط افراد عادی

قانون‌گذار تقسیم‌بندی خاصی از این جرم به عمل نیاورده و آنچه که امروزه، در کتب حقوقی بسیاری از حقوقدانان با عناوین جعل مادی و مفادی می‌بینیم صرفاً برداشت‌های خاصی است که غالب حقوقدانان مطرح کرده‌اند. جعل مفادی با توجه به دو عنصر «تغییر حقیقت در مضمون سند یا نوشته» و «سلامت ظاهر سند» مورد توجه قرار می‌گیرد و یقیناً از سوی کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مأمورین به خدمات عمومی در راستای انجام وظایفشان قابل ارتکاب می‌باشد. اما در اینکه از سوی اشخاص عادی محقق می‌شود یا خیر اختلاف نظر است. در اینکه ملاک تفکیک جعل مادی از مفادی با توجه به ویژگی‌های فوق چگونه تعیین می‌گردد معیارهای مختلفی مطرح گردیده برخی معتقدند جعل مفادی منحصر به هنگام تنظیم و تحریر سند است (سالاری، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰). ملاک دیگر تفاوت در نحوه قلب حقیقت و طریق ارتکاب آن و معیار سوم که عده‌ای بدان معتقدند عمل فیزیکی در جعل معنوی یا مفادی می‌باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، صص ۳۱۷-۳۱۸). بر این اساس و با توجه به معیارهای سه‌گانه فوق اگر بخواهیم از جعل معنوی تعریفی داشته باشیم شاید بتوان گفت جعل معنوی قلب متقلبانه حقیقت در مضمون یک سند یا نوشته یا چیز دیگر به هنگام تحریر آن به ضرر غیر بدون اینکه در ظاهرش تحریفی مادی صورت گرفته باشد (سالاری، ۱۳۹۱، ص ۱۰۹).

عنصر قانونی این جرم در ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی است که مقرر می‌دارد: «هریک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مأمورین خدمات عمومی که در تحریر نوشته‌ها و قراردادها راجع به وظایفشان مرتکب جعل و تزویر شوند اعم از

اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته یا نوشته مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است اقرار شده جلوه دهند علاوه بر مجازات های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا ۵ سال یا شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد»

حال آیا می توان ارتکاب بزه جعل مفادی را به اشخاص عادی و غیر کارمند نیز تسری داد یا خیر؟ مثلاً اگر در یک بنگاه معاملاتی علی‌رغم توافق طرفین و اظهارات آنان بر مبلغ و وجه مشخصی به عنوان ثمن بیع، فرد کاتب و بنگاهداری، تعمداً مبلغی را کمتر یا بیشتر از مبلغ اعلامی آنان در مبیعه نامه قید نماید و یا اینکه در زمان تنظیم سند نکاحیه و صیغه‌نامه، فرد متصدی تنظیم کننده سند نکاحیه تعداد سکه‌های موضوع مهریه را کمتر یا زیادتر از آنچه زوجین بیان می‌دارند قید نماید مرتکب جرم جعل معنوی شده اند؟ برخی در تفسیر جعل مفادی علاوه بر ماده ۵۳۴، ماده ۵۳۲ را شامل هر دو نوع جعل می‌دانند و عقیده بر این دارند که سه مورد پیش بینی شده در این ماده یعنی ساختن مهر یا امضاء - تحریف امضاء یا مهر یا خطوط - الحاق کلمه‌ای به متن سند از مصادیق جعل مادی است ولی مورد چهارم این ماده یعنی تغییر اسامی اشخاص که هم مشمول جعل مادی است و هم مفادی و براساس ماده ۵۳۳، این نوع جعل مفادی از سوی اشخاص عادی هم امکان پذیر است (پیمانی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵) و بالاخره گروهی دیگر معتقدند که چون اطلاق ماده ۵۳۶ قانون یاد شده مقرر می‌دارد «هرکس در اسناد یا نوشته های غیررسمی جعل یا تزویر کند یا با علم به جعل و تزویر آنها را مورد استفاده قرار دهد.....» لذا هر دو قسم جعل در اسناد عادی امکان پذیر است مانند کسی که تنظیم و تکمیل چکی را به دیگری واگذار کند و آن شخص برخلاف نظر صاحب حساب چک را تنظیم کند چنین فردی مرتکب جعل و تزویر معنوی شده است (سلیمان پور، ۱۳۹۳، ص ۷۲).

بهر حال بنظر می‌رسد در بحث جعل مفادی باید تمامی مواد مربوطه را با یکدیگر جمع و لحاظ کرد مقنن با قرار دادن مواد قانونی فوق‌الذکر سیاست واحدی را اتخاذ نماید تا از بروز نظرات مختلف جلوگیری می‌شود پیشنهاد می‌شود. پیشنهاد می‌شود

ارتکاب بزه جعل مفادی را محدود به کارکنان دولتی و عمومی نماییم.

۳. عدم صراحت در بیان شرایط جرم (ضرورت یا عدم ضرورت شبیه سازی در سند

مجعول)

هر چند قانون گذار در جرم جعل به تغییرات در سند و نوشته توجه دارد اما زمانی، این سند و نوشته منشاء اثر است که صورت و ظاهر آن حفظ شود بگونه ای که در برخورد اول به عنوان یک سند و مدرک پذیرفته شود. سوال این است که آیا مشابهت و یکسانی بین سند و نوشته اصلی با جعلی لازم است یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا شبیه سازی به عنوان شرط تحقق جرم جعل ضروری است یا خیر؟ قانون گذار در این خصوص تصریحی ندارد و از لحاظ رویه قضایی و دکترین حقوقی هم اختلاف نظر وجود دارد. برخی با توجه به لفظ ساختن در مقرر قانونی مربوطه، شبیه سازی را برای وقوع جرم شرط ضروری می دانند و معتقدند اگر سندی ساخته شود که هیچ مشابهتی با سند اصلی نداشته باشد عنوان جعل بر آن منطبق نیست (گلدوزیان، ۱۳۹۵، ص ۶۷۴). در مقابل برخی معتقدند که وجود شباهت بین سند اصلی با مجعول بلحاظ عدم تصریح قانونی ضروری نیست و اگر شبیه سازی لازم بود مقنن مانند تقلب در مسکوکات آن را تصریح می کرد (سالاری، ۱۳۹۱، ص ۱۴۰). و بالاخره گروه سوم بر این عقیده اند که اصولاً امکان به اشتباه انداختن یا مشتبه کردن، اساس و پایه جرم جعل و تزویر را تشکیل می دهد نه شبیه بودن، حتی در مورد چیزهای مشهور مانند اسکناس هم ضابطه لازم، امکان به اشتباه انداختن است نه شبیه بودن، لیکن در این موارد با توجه به مشهور بودن آنها این دو ضابطه بر یکدیگر منطبق می شوند و به عبارت دیگر امکان به اشتباه انداختن هم منتفی می گردد؛ چرا که عموم مردم با ظاهر آن اسناد معروف آشنایند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۳۲۵). از نظر رویه قضائی نیز در این باره رویه واحدی وجود ندارد. به عنوان نمونه رأی شماره ۸۱۱۸-۲۳۳ مورخ ۱۳۳۶/۱/۳۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مقرر می دارد: «جعل و تزویر... در صورتی محقق می شود که در نوشته یا سند شبیه سازی رعایت شده و مشابهتی موجود باشد به طوری که ممکن باشد برای اشخاصی که سواد خواندن دارند در بادی نظر اسباب اشتباه شود و نوشته عادی که شبیه سازی در آن رعایت نشده عنوان ساختن نوشته یا سند بر آن

صادق نیست و مشتبه شدن بر اشخاصی که سواد خواندن اوراق و تمیز دادن نوشته شبیه و غیر شبیه را ندارد مناط صدق جعل نوشته نمی‌باشد».

اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در بخشی از نظریه شماره ۷/۸۱۶-۷/۲۰-۱۳۷۲/۲ خویشتن نیز بر ضرورت شبیه سازی در سند مجعول تأکید دارد. از سوی دیگر آراء شماره ۵۶-۷-۱۳۱۶/۶/۱ و ۷۵۷ مورخ ۱۳۱۶/۴/۸ شعبه دوم دیوان عالی کشور و رأی شماره ۱۲۸۸-۱۳۲۵/۵/۲۷-۱۳۲۵ شعبه پنجم دیوان عالی کشور شبیه سازی را در جعل نوشته و سند ضروری نمی‌داند. و یا در نظریه شماره ۷/۷۶۸۱ مورخ ۷۳/۱۱/۱۵ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز به این امر که شرط وقوع بزه جعل شباهت تام سند مجعول با اصل و اضرار آنی آن نمی‌باشد اشاره دارد.

صرفنظر از اختلاف نظر بین حقوقدانان و همچنین رویه قضائی متهافت در این خصوص آنچه صحیح و منطقی بنظر می‌رسد این است که در جعل و تزویر یک نوع فریب و تقلب نهفته است و بالطبع تقلید و شبیه سازی هم که جزء فریب کاری است در همه اسناد و نوشته ها ضروری می‌باشد و لیکن باید بین اسناد تفکیک قائل شد و برای اعمال فریب و به اشتباه انداختن افراد به نوع سند توجه گردد. چنانکه برخی اسناد مثل کارت ملی و اسکناس که از معروفیت خاصی برخوردارند باید شبیه سازی صورت گیرد و در مقابل آن اسنادی که از معروفیت برخوردار نیست مثل امضاء یک کارمند معمولی دولت یا امضاء یک فرد خاصی در ذیل چک که در اینجا چون بدون شبیه سازی هم عمل فریب کاری و به اشتباه انداختن امکان پذیر است لذا صرف تغییر حتی بدون شبیه سازی جعل محقق می‌گردد. در نهایت می‌توان به این موضوع از ناحیه دیگری نگریست به این صورت که چون لزوم شبیه بودن در جعل در امور معروف و مشهور، باعث سوء استفاده و فرار مجرمین می‌گردد، به گونه ای که برخی به بهانه شبیه نبودن می‌خواهند از مجازات فرار کنند، قانونگذار تصریح کند کند که چنین شرطی لازم نمی‌باشد و جعل محقق می‌شود اعم از اینکه سند مجعول شبیه باشد یا نباشد.

مغایرت برخی مصادیق جعل با واقعیات و رسوم اجتماعی

واقعیات اجتماعی نظمی را بر جامعه حکمفرما می‌کنند که مقابله با آنها پذیرفته نیست زیرا قوانین و مقرراتی که در جهت برقراری عدالت تصویب می‌گردند اصولاً بر

مبنای واقعیت‌های اجتماعی یک جامعه است و اگر قانون‌گذار قوانینی را وضع کند که با واقعیات و رسوم اجتماعی مخالف باشد آن قانون به زودی متروکه خواهد شود و غبار اجرا نشدن بر آن خواهد نشست.

قوانین نامطلوب و مغایر با واقعیات و رسوم اجتماعی ممکن است به طرق مختلف از سوی مخاطبان آن مطرود و نادیده گرفته شود زیرا گاهی از سوی مردم مورد تخلف قرار می‌گیرد و در مواردی هم چون با محیط خود بیگانه است از سوی جامعه حقوقدانان و ساختار قضایی مورد غفلت واقع می‌شود (ذبیحی بیدگلی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۹) و در نتیجه قانون متروک می‌ماند.

از مقرراتی که نسبت به انطباق آن با واقعیات اجتماعی و عرف حاکم بر جامعه می‌توان تردید نمود جرم‌انگاری عکسبرداری از مدارک است. تکنولوژی عکسبرداری و فتوکپی از مدارک از جمله پیشرفت‌هایی است که توانسته است کمک شایان و قابل توجهی را به بشر نماید اما ظرافت و دقت دستگاه‌های چاپ و رایانه‌ای گاهی به حدی می‌رسد که واقعاً تشخیص اصل از عکس را با مشکل مواجه می‌سازد. به همین دلیل قانون‌گذار جدید در تدوین قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ در فصل جعل و تزویر به این موضوع توجه داشته و با تصویب ماده ۵۳۷ قانون مرقوم عکسبرداری از هر نوع کارت شناسایی، اوراق هویت شخصی و سایر اوراق و اسناد رسمی دولتی و عمومی غیردولتی و نوشته‌های خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی که موجب اشتباه با اصل شود و ممه‌ور به مهر علامتی نباشد جعل تلقی نموده است. البته این جرم، هم به صورت فعل یعنی تهیه عکس از مدرک و قسمتی هم بصورت ترک فعل که مهر نکردن است را شامل می‌شود. اما نکته اساسی در این است که در شرایط و وضعیت فعلی بسیار دیده شده است که افراد برای جلوگیری از مفقود شدن یا فرسودگی از مدارک خویش در حالی که اصل آن نیز موجود است مبادرت به عکسبرداری یا تهیه کپی‌رنگی از آن می‌نمایند و آن را سالیان سال نزد خویش نگهداری می‌کنند و حال آنکه در اینجا فرد علیرغم عدم ورود خسارت و لطمه به حق اشخاص یا دولت مستحق چنین مجازات سنگینی باشد و عمل در قالب جعل و تزویر مطرح شود باید تردید کرد.

البته جالب تر اینکه در این ماده فقط به عکسبرداری از اسناد اصلی اشاره شده است

و عکسبرداری از اسناد مجعول که آثار زیانبار بیشتری دارد توجهی نشده است ضمن اینکه ظاهر ماده همواره این شبهه را ایجاد می‌کند که تهیه‌کنندگان مدارک در هر حال مجرم هستند و بدین جهت برای جلوگیری از این برداشت نادرست ضمن ضرورت اصلاحات نگارشی در قسمت «ممه‌ور به مهر با علامت باشد» و کلمه «یا» بین مهر و علامت ظاهر در ممه‌ور به دو واژه مهر و علامت است که از لحاظ ادبی ممه‌ور به مهر صحیح است و ممه‌ور به علامت صحیح نیست.

عدم صراحت در بیان موضوع جرم (ابهام در موارد تحت شمول جرم جعل)

در بررسی اشکالات و ابهامات ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی می‌توان به مواردی اشاره نمود که به صورت صریح و روشن در خصوص شمول این موارد به جعل و یا عدم آن اشاره ای نشده است؛ یکی از این موارد ابهام در قانون در جایی که در غیر نوشته جعل صورت گرفته باشد. مورد دیگر، ابهام از این جهت است که هرگاه نوشته یا امضای ساختگی از نظر قانون بلااثر تلقی شود آیا باز هم حکم به جعل ممکن خواهد بود یا نه که با توجه به اینکه باید به قابلیت اضرار ولو به طور بالقوه متمرکز شویم؛ زیرا چه بسا سندی اثر قانونی ندارد، لیکن قابلیت اضرار داشته باشد. مورد دیگر نقص قانون از این جهت است که صرف در اختیار داشتن سند مجعول جرم انگاری نشده است. در واقع، قانونگذار ما در جرم جعل دو مورد را مورد توجه قرار داده است: جعل اسناد و نوشته‌ها؛ استفاده از این اسناد و نوشته‌ها؛ بنابراین قانونگذار ایران صرف داشتن سند مجعول را توسط فردی غیر از جاعل جرم نمی‌داند. به نظر می‌رسد جرم انگاری نگهداری سند مجعول امری پسندیده و سبب تسهیل برخورد با جاعلان و استفاده‌کنندگان از سند مجعول باشد. البته اگر عمل مرتکب مشمول ماده ۵۵۴ ق.م.ا. باشد طبق همان ماده رفتار خواهد شد. مسئله دیگر این است که آیا نیاز است که امضا متعلق به شخص خاصی باشد یا اینکه امضا منتسب به شخص موهوم هم جرم جعل را محقق می‌سازد. هر چند برخی معتقدند عبارت «امضای اشخاص» بیانگر آن است که امضای مجعول باید منتسب به شخص خاصی باشد، با این حال به نظر می‌رسد در اینگونه موارد آنچه مهم است قابلیت ورود ضرر به هر شخصی اعم از حقیقی و

حقوقی و از جمله دولت می باشد زیرا قابلیت ایراد ضرر به افراد دیگر را دارد. هر چند به نظر می رسد عقیده اخیر صحیح باشد لیکن رفع ابهام مفید است. مورد دیگر ابهام از این جهت است که اگر شیء مورد تحریف، خلاف حقیقت نبوده و منطبق با واقع باشد، آیا عمل ارتكابی باز هم جعل تلقی می شود. برخی معتقدند قانونگذار مورخ ۱۳۷۵/۳/۲ با حذف عبارت «برخلاف حقیقت» مذکور در صدر ماده ۲۰ قانون تعزیرات به بحث ها و اختلاف نظرهایی که قبلاً چه در مراجع رسیدگی و چه در محافل تحقیقاتی در مورد عنصر خلاف حقیقت بودن شیء مجعول به عنوان یکی از شرایط تحقق بزه جعل وجود داشت و به تئوری حقیقت اولیه و حقیقت ثانویه انجامیده بود پایان داد و بنابراین بر اساس قانون جدید اگر سند مجعول برخلاف حقیقت ثانویه باشد نیز جعل تحقق یافته است. به نظر می رسد عقیده اخیر بهتر باشد زیرا پذیرش نظر اول تعقیب بسیاری از جاعلان را غیرممکن می سازد. با این وجود باید منطوق ماده صریح باشد. مصداق مبهم دیگر در این است که آیا جعل اثر انگشت نیز مشمول ماده ۵۲۳ می شود. به نظر می رسد جعل اثر انگشت بیشتر به جعل مهر شباهت داشته و در حکم جعل مهر می باشد. در صورتی که این مورد را در حکم جعل مهر ندانیم بکار بردن اثر انگشت دیگری مشمول ماده دیگری نمی شود، اما رفع ابهام قانون مفید است.

فقدان انسجام با دیگر قوانین راجع به جرم جعل

جعل هم در قانون مجازات اسلامی به عنوان قانون عام و هم در قوانین خاص مورد حکم قانون گذار قرار گرفته است. مقررات خاص در خصوص جعل، در قانون ثبت اسناد و املاک (جعل از سوی مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک)، قانون تخلفات، جرایم و مجازات های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه ای (جعل در اسناد سجلی)، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران (جعل تمبر و نقش تمبر)، قانون منع خرید و فروش کویپنهای کالاهای اساسی (جعل کالا برگ)، قانون اصلاح قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران (جعل گذرنامه یا جواز اقامت یا جواز عبور)، قانون اصلاح قانون انحصار بازرگانی خارجی (جعل تصدیق صدور ورود)، قانون راجع به کارشناسان رسمی دادگستری، قانون تجارت (ذکر تاریخ مقدم توسط ظهنویس)، قانون راجع به انتقال مال غیر، قانون

خدمت وظیفه عمومی (ارتکاب جعل برای فرار از خدمت)، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و قانون جرایم رایانه ای، بیان شده است. اما به علت اینکه این قانونگذاری ها در زمانهای مختلف و نهادهای مختلف صورت گرفته دوگانگی هایی در این زمینه دیده می شود. این دوگانگی همواره ابهامات و چالش هایی را از حیث اختلاف در مجازات، ناسخ و منسوخ بودن و... به دنبال داشته است. مثلاً در رابطه با جرم جعل اسکناس قانون گذار در مقاطع مختلفی اقدام به قانون گذاری نموده است همچون مواد ۵۲۵ و ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب مجلس شورای اسلامی و قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول مصوب سال ۱۳۶۸ و یا قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی مصوب سال ۱۳۶۹ که هر دو مورد اخیر مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

قانون گذار به لحاظ اهمیت موضوع در قوانین مختلف با مجازات های متفاوتی که حتی بعضاً شامل مجازات اعدام نیز می گردد اقدام به جرم انگاری نموده است از چهار مقرر قانونی موجود، بند پنجم ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی که مجازات یک تا ده سال حبس را برای جعل اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی، نظیر برات های قبول شده از طرف بانک ها یا چک های صادره از طرف بانک ها و سایر اسناد تعهدآور بانکی را پیش بینی کرده است. ماده ۵۲۶ مقرر می دارد:

هر کس اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر برات های قبول شده از طرف بانک ها یا چک های صادره از طرف بانک ها و سایر اسناد تعهدآور بانکی و نیز اسناد یا اوراق بهادار و یا حواله های صادره از خزانه را به قصد اخلاص در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظم و امنیت سیاسی و اجتماعی جعل یا وارد کشور نماید یا با علم به مجعول بودن استفاده کند چنانچه مفسد و محارب شناخته نشود به حبس از پنج تا بیست سال محکوم می شود.

ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز بیان داشته که جاعل با وجود دو شرط قصد مبارزه با نظام و عضویت داشتن در باند به عنوان مفسد به اعدام محکوم و در صورت فقدان این دو

شرط به مجازات مذکور در قانون تعزیرات محکوم می‌شود. همچنین قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ مجازات مرتکبین را در صورت وجود قصد مقابله با نظام در حد مفسد فی الارض بودن اعدام و در غیر این صورت پنج تا بیست سال حبس در نظر گرفته است که چون این مقررات قبل از قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ تصویب شده‌اند.

برخی از حقوقدانان با توجه به موخر بودن زمان تصویب قانون مجازات اسلامی قائل به نسخ قوانین و مصوبات فوق‌الذکر مجمع تشخیص مصلحت نظام هستند و معتقدند که نه تنها جاعلین اسکناس داخلی و خارجی بلکه کلیه جاعلین اوراق بهادار مشمول مقررات قانون تعزیرات قرار خواهند گرفت (شامیباتی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۱). برخی دیگر هم عقیده دارند که تعارضی در این خصوص نیست زیرا اگر قصد مبارزه با نظام و قصد براندازی یا عضویت در باند وجود داشته باشد. مجازات براساس ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین و چنانچه قصد اخلال در وضع پولی و بانکی و اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اقتصادی باشد و به حد براندازی نرسد مشمول ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۲۹۷).

اما سواى از نظرات مختلف حقوقدانان بر نسخ یا عدم نسخ مقررہ های قانونی یاد شده، در یک ترسیم کلی در خصوص مجازات جعل اسکناس چهار حالت قابل تصور است که در حالت اول وجود انگیزه اخلال در نظام پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی که مطابق ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی به حبس پنج تا بیست سال محکوم می‌گردد. حالت دوم در صورت احراز افساد و محارب بودن مرتکب که مطابق ماده ۲ قانون مرقوم و ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان یا توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول مشمول مجازات اعدام و ضبط اموال خواهد شد. شق سوم اقدام مرتکب بصورت عمد و کلان با انگیزه سیاسی باشد که مطابق ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی به تحمل حبس پنج تا بیست سال و ضبط اموال تحصیل شده ناشی از جرم و بالاخره حالت چهارم حبس یک تا ده

سال موضوع ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی است که ناظر به اقدام مرتکب بدون انگیزه خاص اقتصادی و سیاسی است. با این وصف کلیه قوانین لازم الاجرا پابرجاست اما نکته حائز اهمیت و ابهام برانگیز در این قسمت مجازات اعدام یک دسته از این مجرمین است که با توجه به تصویب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و تعیین ملاک مفسد فی الارض، قید واژه محارب در ماده واحده قابل تأمل بوده، مضافاً به اینکه با وجود مقررات بند پنجم ماده ۵۲۵ و نیز ماده ۵۲۶ و ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی و همینطور لحاظ تعاریفی که از مفسد فی الارض داریم ضرورتی به وجود مصوبات مجمع نبوده و نیاز به بازنگری و حذف آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

این در حالیست که قانونی که از سوی مقنن تدوین و تصویب می‌گردد باید از لحاظ ترکیب دارای ظاهر و محتوایی مناسب باشد به گونه‌ای که از نخستین تا آخرین ماده آن و همچنین ارتباط آن با قوانین مشابه دارای آن چنان انسجامی باشد که صدر و ذیل آن‌ها باهم در تعارض نباشد. چرا که قانون برای مطیع ساختن اشخاص باید از انسجام لازم برخوردار باشد و گرنه با ابهام مواجه شده مقصود قانون‌گذار پوشیده می‌ماند و در مرحله عمل قاضی با سردرگمی مواجه می‌شود (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۵).

عدم ضرورت جرم انگاری جعل گواهی پزشکی با وجود مواد قانونی عام و مقدم

قانون‌گذار بلحاظ اهمیت جرم جعل گواهی پزشکی، بطور خاص و مستقل طی مواد ۵۳۸ و ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی مبادرت به جرم انگاری و تعیین مجازات نموده است. بگونه‌ای که رفتار فیزیکی مرتکب در ساختن گواهی تقلبی پزشکی باعث اشتباه گشته و بصورت جعل مادی قابل ارتکاب است. البته در اینکه حکم ماده منحصر به جایی است که کسی از ابتدا تا انتها گواهی را جعل می‌کند یا اینکه شامل دستکاری در یک گواهی موجود هم می‌شود اختلاف نظر وجود دارد زیرا برخی معتقدند اگر کسی در گواهی طبیب دست ببرد و در آن تغییراتی بدهد مشمول این ماده نخواهد شد (گلدوزیان، ۱۳۹۵، ص ۲۶۰) و عده‌ای دیگر هم اعتقاد دارند که مانعی برای شمول ماده ۵۳۸ برای این موارد وجود ندارد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۳۱۱).

البته شبیه به این موضوع در ماده ۵۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نیز این حکم پیش بینی شده است که به نظر می‌رسد مقنن خواسته است تا در قانون خاص، مجازات را تشدید نماید و یا اینکه در توجیه بگوئیم اساساً ماده ۵۸ ناظر به جعل نیست. بهر حال ابهامی که در این قسمت وجود دارد موضوع ضرورت یا عدم ضرورت چنین ماده‌ای در بحث جرم جعل است چرا که به حکم عام ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد «هر کس در اسناد یا نوشته‌های غیررسمی جعل یا تزویر می‌کند یا با علم به جعل و تزویر آنها را مور استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا دو سال یا سه تا دوازده میلیون جزای نقدی محکوم خواهد شد.» ضرورتی به ماده ۵۳۸ نباشد البته شاید در توجیه این ماده گفته شود مقنن جهت تعیین مجازات جدید و به قصد تشدید مجازات مبادرت به جرم‌انگاری در ماده قانونی خاص نموده است حال آنکه در مقایسه بین این دو ماده نه تنها مجازات، تشدید نگردید بلکه تخفیف هم یافته است و به اضافه اینکه بر ابهامات موضوع نیز افزوده است چرا که تکلیف استفاده کنندگان از گواهی پزشکی مجعول را تعیین نکرده است و معلوم نیست منظور از جعل در اینجا همراه با استفاده است یا خیر؟ و اگر کسی گواهی را جعل کرده ولی از آن استفاده نکرده مشمول این ماده می‌گردد یا خیر؟ به نظر می‌رسد به منظور پایان دادن به این ابهامات و با توجه به وجود مواد عامی مثل ماده ۵۳۶ سابق‌الذکر که هم رکن مادی و هم مجازات را در بر دارد نیازی به پیش‌بینی حکم خاص در مورد آن وجود نداشته باشد و با حذف آن از تورم بی‌رویه مواد قانونی و ابهامات موجود کاسته شود.

عدم جامعیت در موضوع بزه جعل

وقتی صحبت از جامعیت می‌شود یعنی وجود رهنمودها و دستوراتی که پاسخگوی همه فروض و صورت‌های موضوع بحث باشد. قانونی که از این ویژگی برخوردار نباشد در عمل مجریان آن را با مشکل مواجه می‌سازد. ماده ۵۲۴ قانون مجازات اسلامی که ناظر به جعل احکام یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط مقام رهبری و یا روسای سه قوه به اعتبار مقام آنان است. در این ماده نواقص و ابهاماتی وجود دارد که جامع‌نگری و اصلاح آن ضروری به نظر می‌رسد. به عنوان نمونه صرفاً به جعل و استفاده از سند

مجعول حکم، اسناد یا مهر و فرمان و دستخط مقام رهبری اشاره شده است و در رابطه با جعل امضاء و مهر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) ساکت است و بر فرض این توجیه که خلاء قانونی مذکور با قوانین خاصی چون قانون نحوه حفظ آثار و یاد حضرت امام خمینی (ره) قابل جبران است چنین امری ممکن نیست چون اولاً قانون اخیرالذکر تمامی مصادیق را شامل نمی‌شود و ثانیاً از حیث مجازات نیز با یکدیگر قابل مقایسه نیستند لذا همچنان چنین نقصی وجود دارد و از طرفی با عدم شمول این ماده نسبت به جعل حکم یا امضاء یا فرمان شورای رهبری و کسانی که کفیل قوای سه گانه هستند نیز به خوبی این نقص ملموس است زیرا قانون اساسی ما در برخی مواقع شورای رهبری را به جای رهبر و همچنین کفیل قوای سه گانه پیش‌بینی نموده است که بجا بود با توجه به وجود تفسیر مضیق در قوانین جزایی ما و بمنظور رفع این خلاء قانونی در این خصوص نیز جرم انگاری می‌شد.

البته چون بحث ضرورت جامعیت قانون در این قسمت است و ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی نیز به جرم ارتكابی نسبت به مصادیق فوق از سوی اشخاص پائین تر اشاره دارد و از جهتی مقرر قانونی اخیرالذکر بلحاظ تصریح به وارد کشور نمودن مهر یا امضاء مقامات نموده است بجا بود که در این ماده نیز به جرم انگاری وارد کشور نمودن مهر یا امضاء جعلی رهبر و رؤسای سه قوه نیز می‌پرداخت در پایان نکته دیگری که قابل تامل است اینکه مواد ۵۲۴ و ۵۲۵ که مجموعاً به جرایم ارتكابی علیه مدارک مقامات حکومتی و دولتی و مسئولین می‌پردازد و از مقاماتی چون رئیس و اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی امنیت ملی ذکری نشده است اگر چه ممکن است قائل به این امر شویم که لفظ عموم کارمندان و مسئولین دولتی شامل همه مقامات دولتی میشود ولیکن این موضوع قابل توجیه نیست زیرا از کارمندان و مسئولین عادی دولتی صراحتاً نام برده شده اما از چنین مقاماتی ذکری به میان نیامده است.

عدم تناسب میان موارد و مصادیق جرم جعل

قاعده آنست که وقتی عنوانی جرم انگاری می‌شود و موارد متعددی ذیل آن به عنوان مصادیق آن ذکر می‌شود، میان همه موارد و مصادیق تناسب باشد. در مورد جرم جعل

علیرغم آنکه موارد متعددی در فصل جعل و تزویر آورده شده است برخی از آنها ارتباطی به جرم جعل ندارند. مثلاً شرکت در آزمون به جای داوطلب اصلی در فصل جعل است؛ قانون گذار، برای اولین مرتبه پدیده غیراخلاقی تقلب در امتحانات به اشکال مختلف و شرکت در آزمون به جای دیگری را در ماده ۵۴۱ قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری نموده است. و به رغم اینکه فعل داوطلب اصلی معاونت یعنی تسهیل وقوع جرم است و وی در عناصر جرم مشارکت نداشته قانون گذار چنین فعلی را به عنوان جرم مستقل گرفته دومی را به مجازات مرتکب اصلی محکوم می‌کند.

اما علیرغم ایراداتی که در این ماده وجود دارد همچون تعیین مجازات اداری و انتظامی برای مرتکبی که در بسیاری از موارد کارمند دولت نیست و یا میزان مجازات مقرر که بدلیل جزای نقدی پائین خاصیت بازدارندگی ندارد و همینطور قید کلمه و غیره، در ماده که مشخص نیست دایره موضوع شامل چه آزمون‌هایی خواهد شد. چون جرم موضوع این ماده ویژگی‌های جرم جعل را نداشته و نمی‌توان جعل به مفهوم حقیقی دانست بلکه قانون گذار به دلیل حيله و قلب حقیقتی که در عمل صورت گرفته و ورقه‌ای بنام دیگری نوشته می‌شود آن را در فصل راجع به جعل و تزویر آورده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۳۱۶).

اما صرف‌نظر از جرم‌انگاری عمل مذکور در فصل جعل چندان با منطق حقوقی سازگار نبوده و توسعه دامنه جرائم و افزایش عناوین مجرمانه نیز چندان به مصلحت جامعه نیست و به نظر می‌رسد بهتر بود موضوع در قالب تخلفات با پیش‌بینی مکانیسم بازدارندگی مطرح می‌گردید به همین دلیل این نوع جرم‌انگاری سبب گردیده تا در خصوص قلمرو و دایره شمول حکم ماده بین حقوقدانان اختلاف حاصل شود بطوری که برخی شرکت در آزمون‌های گزینش قضات یا وکلا یا سردفتران و نظایر آنها را از دایره شمول ماده خارج بدانند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۳۱۶) و برخی دیگر هم با توجه به واژه (و غیره) در ماده موصوف آن را حصری ندانسته و معتقدند مقنن در مقام بیان حکم انحصاری نمی‌باشد بلکه کلمه آزمون‌هایی را که دارای ملاک ارزشی بوده و مستند ثبوت یا نفی امری در محاکم و ادارات واقع می‌شوند شامل بدانند و بدین ترتیب قلمرو حکم ذکر شده را حتی شامل امتحانات دبستان و آزمون‌های کتبی رانندگی،

استخدامی، گزینشی، کارآموزان قضایی و سردفتران اسناد رسمی و کانون وکلا و امثالهم بدانند (سالاری، ۱۳۹۱، ص ۲۳۹). بنابراین به لحاظ دیدگاه‌ها و رویه‌ها مختلف موجود، مقنن باید ماده قانونی مذکور را از حالت تمثیلی بودن خارج و با بیان موارد خاص به اختلافات موجود پایان داده تا با توجه به لزوم تفسیر محدود و مضیق در قوانین کیفری، محاکم قضایی نیز دچار سردرگمی و تشتت آراء نگردند.

عدم رعایت آیین نگارش حقوقی در جرم جعل

موارد فراوانی از عدم رعایت آیین نگارش حقوقی در مبحث جعل قانون مجازات اسلامی شاهدیم برای مثال در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی رعایت ایجاز و اختصار نگردیده است زیرا دو لفظ هم معنی جعل و تزویر که دو فعل مجزا نیستند و در هیچیک از مواد، این تفکیک لحاظ نشده است به کار رفته است. می توان گفت، با توجه به آنکه جعل و تزویر مترادف هستند کلمه «عبارتند» صحیح نمی باشد. به نظر می رسد دو واژه «جعل» و «تزویر» مترادف هستند؛ بدین لحاظ قانونگذار بهتر بود از کلمه «عبارتست» استفاده می کرد.

همین طور با آوردن کلمه ساختن در ابتدای جمله، قید ساختن، قبل از مهر و نیز کلمات «یا» قبل از هر کلمه در جمله اضافی است. در ماده ۵۲۴ قانون مرقوم ایراد نگارشی در بکار بردن واژه احکام بجای حکم به چشم می خورد چون بدنبال آن واژه های فرمان، مهر و امضاء استفاده گردیده و همینطور مقنن در بسیاری از مواد از کلمه استعمال سند مجعول استفاده نموده حال آنکه کلمه استعمال عمولاً برای اشیاء مصرف شدنی استفاده می شود و واژه مناسب در مبحث جعل واژه مورد استناد قرار گرفتن است (پیمانی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۰). این نکته را نیز باید در نظر داشت که در مواردی قانون گذار صحبت از استعمال نموده و در برخی موارد، از عبارت مورد استفاده قرار دادن، استفاده کرده است؛ حال آنکه این کاملاً متفاوت بوده و از لحاظ لغوی مورد اول برخلاف دومی مقید می باشد؛ لذا لازم است این مطلب روشن شود و الفاظ واحد بکار برده شود.

بالاخره در ماده ۵۳۲ همین قانون نیز شاهد یک ناهماهنگی در شیوه نگارش آن هستیم چرا که مقنن از تزویر در نوشته ها و اوراق رسمی صحبت به میان آورده اما در

ادامه مصادیقی را ذکر نموده که تزویر در نوشته و اوراق رسمی نیستند مانند ساختن مهر (زراعت، ۱۳۹۰، ص ۱۷۴).

در نحوه بیان مواد ۵۳۲ و ۵۳۴ دیده شده که معیار دقیقی برای تفکیک این دو ماده وجود ندارد به اضافه اینکه اگر کارمندی مرتکب جعل شود و بدون آنکه در راستای وظیفه‌اش باشد از این جهت که این افعال در حیطه وظیفه او نبوده تحت شمول مواد ۵۳۲ و ۵۳۴ قرار نمی‌گیرد و از سوی دیگر به دلیل آن که جعل در نوشته عادی نکرده مشمول ماده ۵۳۶ هم نمی‌باشد و از طرفی چون در ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی هم به اوراق و اسناد اشاره نشده است و حکم مجازات فقط در مواردی است که غیرکارمند دولت مرتکب جرم موضوع ماده ۵۳۲ می‌شود بنابراین چنین فردی قابل مجازات نیست و با خلاء قانونی در این خصوص مواجه هستیم.

رعایت صراحت در جعل رایانه ای نیز باید مدنظر قرار گیرد. در قانون جرایم رایانه ای، قانون گذار برای بیان عنصر روانی و مادی از اصطلاحات عام مانند غیر مجاز و تغییر استفاده نموده است تا شمول حداکثری مصادیق را در پی داشته باشد. لکن اصطلاحات عام برخلاف رویه قانونگذاری جزایی می باشد و امکان تفسیر موسع را فراهم می‌سازد (گرایلی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲).

به روز نبودن مجازات جزای نقدی جرم جعل

قانون گذار در قانون مجازات اسلامی و همینطور در قوانین خاص دیگر برای صورت های مختلف جرم جعل و استفاده از سند مجعول مجازات های چند گانه ای را مقرر کرده است که البته چون در بیشتر صورت های جعل و تزویر اصول حاکم بر مجازات به ویژه اصل تناسب رعایت نشده است، دقیقا مبنای سیاست کیفری مقنن در این قسمت مشخص نیست و معلوم نیست چرا در پاره ای از موارد قانون گذار در کنار مجازات حبس، جزای نقدی را پیش بینی کرده است و این میزان جزای نقدی بر چه اساسی تعیین شده است؟ و اساسا مبنا و معیار بازه حداقل و حداکثر مجازات ها چیست؟

به عنوان نمونه مقنن در ماده ۵۳۲ قانون مجازات اسلامی در بحث جعل صورت گرفته از سوی کارمندان و مسئولین دولتی مجازات حبس از یک تا پنج سال یا پرداخت

جزای نقدی شش تا سی میلیون ریال پیش بینی کرده است که مشکل اصلی عدم توازن در مجازات‌های فوق است زیرا مطابق ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به ازای هر روز بازداشت موقت یک روز از مقدار حبس، سیصد هزار ریال از جزای نقدی و سه ضربه از کیفر شلاق محکوم، کاسته می‌شود به عبارت دیگری می‌توان از ماده ۲۷ این ایده را گرفت که از نگاه مقنن یک روز حبس با سیصد هزار ریال جزای نقدی و سه ضربه شلاق برابری می‌کند. حال اگر در این مورد کیفر حبس را ملاک و محور اصلی قرا دهیم حداکثر مجازات حبس در این ماده پنج سال یا ۱۸۰۰ روز حبس است و بر اساس روزی سیصد هزار معادل ۵۴۰ میلیون ریال جزای نقدی می‌شود در حالی که کیفر مقرر معادل یک هیجدهم است یا همین حالت در دیگر موارد قانونی که هم مجازات حبس و هم شلاق پیش بینی گردیده وجود دارد مثلاً در ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی در خصوص جعل ارتكابی از سوی اشخاص عادی مجازات حبس شش ماه تا سه سال یا جرای نقدی سه تا هجده میلیون ریال در نظر گرفته که با توجه به ملاک مذکور حداکثر مجازات جزای نقدی در این ماده با حداکثر مجازات حبس پیش بینی شده به صورت یک هیجدهم می‌شود بنابراین همانگونه که ملاحظه می‌شود تعادل و توازن لازم در مجازات نبوده و نیاز به اصلاح بازنگری است تا مجازات جزای نقدی به روز شود.

محدود شدن مجازات شلاق به مورد خاصی از جرم جعل

با توجه به تنوع مجازات‌ها در جرم جعل ملاحظه می‌گردد که صرفاً در ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی مجازات بدنی شلاق پیش بینی شده است. البته برخی جرم موضوع ماده ۵۴۰ که مرتبط با ماده قبلی خویش است و همچنین ماده ۷۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح که مشابه مقرر قانونی مذکور می‌باشد را همگی در ردیف جرم گزارش خلاف واقع مطرح می‌نمایند (منصور آبادی و فتحی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۷). برخی دیگر عقیده دارند که هر چند قانون گذار در این ماده از عنوان جعل استفاده نکرده و به عنوان تصدیق نامه برخلاف واقع اکتفا نموده ولی باید قبول کرد که منظور همان جعل است (پیمانی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۸).

اما صرف نظر از اختلافات موجود در خصوص اینکه بزه مربوطه را جرم جعل بدانیم

یا مشمول جرائم دیگر، فعلاً آنچه مهم است این که این جرم بلحاظ قلب حقیقتی که به صورت مفادی صورت می‌گیرد در ردیف جرم جعل آمده است و ابهامی که ممکن است وجود داشته باشد این است که چرا علیرغم قرار گرفتن آن در فصل جعل و وجود موارد شدیدتر از آن، در این مورد خاص از مجازات بدنی شدید شلاق استفاده گردیده است مضافاً به اینکه حتی اگر عمل را مشمول بزه گزارش خلاف واقع هم تصور کنیم خواهیم دید که در جرائم مشابهی چون ماده ۷۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح یا در مورد بند ج ماده ۲ قانون تخلفات، جرائم و مجازات های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه مصوب ۷۰/۵/۱۰ که اشعار می‌دارد «ماما یا پزشکی که در مورد ولادت یا وفات گواهی خلاف واقع صادر کند به حبس از دو روز تا یک سال و یا پرداخت جزای نقدی از دویست هزار ریال تا یک میلیون ریال و یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود.» یا در سایر قوانین متفرقه دیگری چون مواد ۷ و ۸ قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ و ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۰۳ قانون ثبت اسناد و املاک کشور و ماده ۳۷ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب سال ۱۳۸۱ ملاحظه می‌شود که چنین مجازات شلاقی پیش بینی نشده است و بهتر بود مقنن با واقع‌نگری بیشتر و هماهنگی با سایر موارد قانونی به تعیین مجازات مناسب و متناسب دست می‌زد.

نتیجه‌گیری

۱. جرم جعل از مهم‌ترین جرایم علیه آسایش عمومی و زمینه‌ساز بری جرایم دیگر همچون کلاهبرداری می‌باشد.
۲. علیرغم آنکه این جرم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ (تعزیرات) به عنوان قانون اصلی مواد متعددی را به خود اختصاص داده است اما به علت اهمیتی که دارد در قوانین متعدد دیگری هم آورده شده است.
۳. پراکندگی مواد و عدم رعایت بایسته‌های تقنین باعث شده است که این جرم وضعیت مناسبی را از این جهت نداشته باشد. برخی از مهمترین چالش‌های تقنینی جرم جعل در این مقاله بیان شد و نیازی به تکرار آنها نیست.
۴. پیشنهاد می‌شود قانون مجازات اسلامی جرم جعل را به شرح زیر تعریف

نماید:

جعل به مفهوم ساختن، تحریف، تغییر، خراشیدن، تراشیدن، قلم بردن، الحاق، محو، سیاه کردن، الصاق مهر، اثرانگشت فرد دیگر، امضا (عادی یا الکترونیک)، نوشته بر روی کاغذ و سند، تمبر و نقش تمبر، چک، اسکناس، سکه نوشته (رسمی و غیررسمی)، سنگ، پارچه، چوب، تابلوی نقاشی و غیره که جعل مادی خوانده می شود و یا تقدم و تاخیر تاریخ سند به ضرر دیگری و به قصد به کاربرد آنها به جای اصل بدون اجازه صاحب آن (به صورت فعل و یا ترک فعل)، تحریف محتوا و مضمون سند و یا هویت شخص بوده که جعل مفادی بوده و مرتکب آن جاعل محسوب و علاوه بر جبران خسارت وارده، در جعل نوشته های رسمی به مجازات یک تا پنج سال و یا به پرداخت سی میلیون تا پنجاه میلیون ریال و در نوشته های غیررسمی به یک تا سه سال و یا پرداخت ده میلیون تا سی میلیون ریال محکوم می گردد.

تبصره ۱: صرف شبیه سازی برای تحقق جرم کافی است و ورود ضرر برای تحقق آن لازم نیست؛ حتی اگر سند جعل شده خلاف حقیقت نبوده و منطبق با واقع باشد، عمل ارتكابی باز هم جعل تلقی می شود.

تبصره ۲: جعل حکم، مهر، منگنه، علامت، اوراق و یا امضای مقامات دولتی و یا شرکت و موسسات دولتی و خصوصی و یا دادگاهها، گذرنامه و جواز موقت، گواهینامه رانندگی، کوپن و کالا برگ، مدارک تحصیلی، گواهی پزشکی، صدور گواهی خلاف واقع، جعل در اسناد ثبتی کشور، اسناد سجلی در سراسر ارگان های رسمی و غیر رسمی کشور و امثالهم، مشمول ماده فوق الذکر می باشد.

۵. در مواردی قانون گذار با وجود اهمیت موضوع به جرم انگاری برخی رفتارها اشاره نکرده است از جمله این موارد که نیازمند اصلاح و درج در قانون می باشد موارد ذیل است: در اختیار داشتن سند مجعول و اشاره به امکان تحقق جعل با اثر انگشت و نیز جعل در کپی مصدق و غیر مصدق. لازمست قانونگذار صراحتاً در این مورد تصمیم گیری نماید.

منابع و مأخذ

۱. امین پور، محمدتقی؛ قانون کیفر همگانی و آرای دیوان کشور؛ تهران: انتشارات شرکت سهامی چاپ، ۱۳۳۰.
۲. پوربافرانی، حسن؛ تحلیل جرم محاربه؛ مجله فقه و حقوق اسلامی، دوره ۳، شماره ۴، ۱۳۹۰.
۳. پوربدخشان، جعفر و دیگران؛ تعرض به سند و نحوه رسیدگی به آن؛ تهران: جاودانه، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۴. پیمانی، ضیاءالدین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی؛ انتشارات میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۰.
۵. ترکی، غلام عباس؛ بررسی مصادیقی از جعل رایانه‌ای؛ مجله حقوق دادرسی، شماره ۸۳، ۱۳۸۹.
۶. حاجی ده‌آبادی، احمد؛ بایسته‌های تقنین، نگاهی انتقادی به قانون مجازات اسلامی؛ سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
۷. ذیحی بیدگلی، عاطفه؛ بایسته‌های تقنین در حوزه خانواده؛ انتشارات میزان، ۱۳۹۴.
۸. زراعت، عباس؛ جرایم علیه اموال و آسایش عمومی؛ تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۰.
- ساریخانی، عادل؛ حقوق جزای اختصاصی ۳؛ قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۴.
۹. سالاری شهر بابکی، مهدی؛ تحلیل جرم جعل و تزویر؛ تهران: انتشارات چنگل، چاپ سوم، ۱۳۹۱.
۱۰. سلیمان پور، محمد؛ جعل اسناد در حقوق ایران و از نظر حقوق تطبیقی؛ مرکز انتشارات دانشگاهی، ۱۳۹۳.
۱۱. شاذلی، فتوح عبدالله؛ شرح قانون العقوبات؛ بیروت، ۲۰۱۰.
- عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی؛ انتشارات امیرکبیر، چاپ دوازدهم، ۱۳۵۷.
۱۲. گلدوزیان، ایرج؛ حقوق جزای اختصاصی؛ انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
۱۳. متین، احمد؛ مجموعه رویه قضایی، قسمت جزایی؛ بی تا، انتشارات آفتاب.
۱۴. معظم، مهرداد؛ جرم‌شناسی جعل اسناد هویتی در جرایم سازمان‌یافته؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران، ۱۳۹۱.
۱۵. منصورآبادی، عباس، فتحی، محمد جواد؛ جعل و تزویر و جرایم وابسته؛ انتشارات سمت، ۱۳۹۲.
۱۶. الموسوی الخمینی روح‌الله؛ تحریر الوسيله؛ قم: انتشارات دارالعلم، بی تا.
۱۷. میرکمالی، علیرضا و عباس زاده امیرآبادی، احسان؛ تحلیل جرم جعل مفادی؛

- آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۸، ۱۳۹۳.
۱۸. میرمحمدصادقی، حسین؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی؛ انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
۱۹. نکونام، وحید؛ بررسی انتقادی جرم جعل در قانون مجازات اسلامی؛ انتشارات جنگل، ۱۳۹۴.
۲۰. خلفی، ابوذر؛ جعل اسناد از دیدگاه پلیس علمی با تأکید بر ارزش اثباتی آن؛ علوم اجتماعی کارگاه، سال چهارم، شماره ۱، ۱۳۹۰.
۲۱. بیگ زاده، صفر؛ شیوه نگارش قانون؛ انتشارات مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهشها، ۱۳۸۲.
۲۲. گرایلی، محمد باقر؛ بررسی جعل و تخریب و اخلال رایانه‌ای؛ آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۴، ۱۳۸۹.